



خاستگاه خشونت دینی و عناصر مشترک ادیان

گزارشی از نشست مؤسسه گفت‌وگوی ادیان در هفته جهانی گفت‌وگوی بین ادیان

تجربه آدمی در روزگار معاصر گواهی می‌دهد که هر قدر کوره منازعات و مناقشات دینی و ایدئولوژیک، تیزتر و ملتهب‌تر شده، ضرورت همسخنی ادیان و متدینان نیز ملموس‌تر و جدی‌تر گردیده است. نکته تعارض‌آمیز و بفرنج در وضعیت فرهنگی انسان معاصر، این است که هر گاه شأن و اعتبار و لزوم مقوله گفت‌وگو بیشتر تغلیظ شده و مورد تأکید قرار گرفته، درگیری‌های مذهبی نیز روال و روند شتاب‌آلودتری پیدا کرده است. اما این وضعیت تعارض‌آمیز، مانع از آن نبوده که انسان معاصر برای شکوفاتر شدن نهال نوری گفت‌وگوی میان ادیان، به راه‌های نو و شیوه‌های بدیع نیندیشد و بخت خود را در تثبیت تفکر مبتنی بر گفت‌وگو نیازماید.

در این مسیر، افزون بر نهادسازی و جریان‌سازی، به پاره‌ای از کنش‌های پرثمر آدمی در عرصه بین‌الملل می‌توان اشارت کرد که بی‌گمان توفیق معتقدان به گفت‌وگوی بین ادیان را تضمین خواهد کرد. برنامه بدیع هفته جهانی گفت‌وگوی بین ادیان از جمله این واکنش‌های پرمفعت است که به همت و خلاقیت سازمان "خانواده جهانی برای صلح و محبت" ابداع شده است. در این همایش جهانی، تمامی سازمانها، نهادها و حتی افرادی که در خود تعلق‌خاطری به گفت‌وگوی میان ادیان احساس می‌کنند، این فرصت را می‌یابند که بی‌آنکه رنج سفر و تغییر محیط جغرافیایی را بر خود هموار کنند، از همان محلی که سکونت دارند در این همایش حضور یابند و مشارکت ورزند.

شیوه اجرایی این همایش از این قرار است که نهادها یا افراد علاقه‌مند می‌توانند حول محورهایی که "خانواده جهانی برای صلح و محبت"، بیشتر عرضه و ارائه کرده، نشست‌ها و کنفرانس‌هایی برگزار کنند و حاصل این همفکری‌ها را به سازمان مزبور ارسال دارند. مجموعه این مراسلات، به حکم آنکه محورهای مشترک و مشابهی دارند ملاً ارکان یک همایش گسترده جهانی را شکل خواهند داد. عناوین برخی از بحث‌هایی که تاکنون به سازمان مذکور ارسال و در پایگاه اطلاع‌رسانی آن درج شده است از این قرار است:

* اهداف گفت‌وگوی ادیان و نیایش برای صلح (مجمع بین‌الادیان موزامبیک).

* وحدت ادیان (کنفرانس منطقه‌ای ادیان واحد - اردن).

* روز جهانی صلح (دفتر اطلاعات عمومی سازمان ملل - آمریکا).

* نیایش‌های ادیان (گروه جوانان انجمن تعاملات بین‌دینی - اورشلیم).

مؤسسه گفت‌وگوی ادیان که عمده‌ترین دغدغه و دلمشغولی خود را مناسبات بین‌دینی و بین‌الادیانی قرار داده با اغتنام فرصت هفته جهانی گفت‌وگوی بین ادیان، کوشید به تناسب همت و بضاعت خود، نشستی میان گرایش‌های متنوع دینی در ایران برگزار کند. در این نشست که روز دهم شهریور (اول سپتامبر) در محل مؤسسه تشکیل شد، نمایندگان شاخصی از ارمنه، کلییمان، زرتشتیان و مسلمانان حضور یافتند و ضمن طرح مباحثی، به بحث و تبادل نظر در باب شیوه‌های تحقق گفت‌وگو میان ادیان پرداختند. عمده‌ترین مباحث مطرح‌شده در این نشست، دو موضوع "خشونت دینی" و "مبانی اخلاقی - معنوی مشترک ادیان" بود.

رویارویی با خشونت دینی

حجت‌الاسلام محمدعلی ابطیعی، رئیس مؤسسه گفت‌وگوی ادیان در سخنان خود ضمن تأکید بر ضرورت بحث از گفت‌وگوی میان ادیان اظهار داشت: "خشونت همواره در تاریخ حضور داشته اما به نظر می‌رسد در پایان هزاره دوم، ما با پدیده جدیدی با عنوان خشونت تاریخ‌ساز مواجهیم. این نوع خشونت می‌کوشد خود را به دین و اندیشه دینی منتسب کند. نماد و نمونه شاخص این شیوه از خشونت‌ورزی، اتفاقات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است."

ابطیعی در بخش دیگری از سخنانش گفت: "دو دلیل عمده، ضرورت گفت‌وگو را برای بشر امروز مضاعف کرده است: یکی پذیرش قدرت فرهنگ‌سازی دین است و دیگری کوچک شدن دنیا و فشرده شدن زمان و مکان به‌واسطه تکنولوژی ارتباطی. این دو عامل، تعامل نزدیک‌تر انسانها را

توجیه می‌کند. بر این اساس، اگر دین که سرسخت‌ترین عنصر فرهنگ است، بپذیرد که قابلیت گفت‌وگو دارد، طبعاً سایر اجزای فرهنگ هم گفت‌وگوپذیر خواهند شد. پس اولاً باید به ضرورت مقوله گفت‌وگو توجه کرد و ثانیاً به اهمیت گفت‌وگوی میان ادیان و گفت‌وگوی دینی اذعان داشت."

رئیس مؤسسه گفت‌وگوی ادیان درباره نسبت دین و خشونت چنین اظهار داشت: آنچه به نام خشونت دینی شهرت یافته فی‌الواقع حاصل و محصول اصلی دین نیست بلکه نتیجه امتزاج افراطی‌گری با دینداری است چرا که فلسفه نهاد دین، احترام به صلح و امید به آینده است. دنیای امن و آخرت توأم با امید، پیام مشترک همه ادیان است و لذا نمی‌توان ظهور خشونت دینی را معلول جوهره دین بدانیم. آنچه به خشونت دینی منجر می‌شود درغلتیدن به دامان افراطی‌گری است که مخاطره مشترک همه ادیان است."

سخنان حجت‌الاسلام ابطیعی ملاحظاتی انتقادی برخی از حاضرین در جلسه را برانگیخت. برخی از ایشان، ضمن پذیرش این نکته که افراطی‌گری دینی، آفت و عارضه‌ای نامطلوب در تفکر دینی است، به علل و عوامل دیگری نیز اشاره کردند. آقای میردامادی از پژوهشگران مسلمان، بر این نکته تأکید کرد که خشونت دینی آن‌گاه شکل حاد خواهد یافت که دین، کسوت حکومت و قدرت به تن کرده باشد. ادیان آن‌گاه که با تفسیر ضدانسانی به حکومت برسند هر نوع خشونت‌ورزی را به نام دین، تجویز خواهند کرد و لذا مقابله با خشونت دینی مستلزم تن دادن به عرفی شدن دین است. دولت یهودی اسرائیل نمونه بارز حکومت‌های دینی است که خشونت را روا می‌دارند و بر این خشونت‌ورزی نیز توجیه دینی عرضه می‌کنند.

ابطیعی در پاسخ به این ملاحظه انتقادی، دو نکته را گوشزد کرد: نخست آنکه شواهد تجربی و مستندات واقعی و تاریخی ثابت می‌کنند که همه خشونت‌ورزی‌های دینی از ناحیه حکومت‌های دینی نبوده است. برخی افراد و گروه‌ها در عین اینکه از قدرت و حکومت دور بوده‌اند، همچنان با انگیزه



گفت‌وگوی ادیان را اشتیاق بیش از حد پیروان یک دین به عنصر "تبلیغ دینی" دانست. به گمان وی در بطن هر تبلیغ دینی نوعی برتری‌جویی به نفع خود وجود دارد. به عبارت دیگر فردی که در پی تبلیغ دین خود است ضمناً به حقانیت مطلق دین خود و بطلان مطلق سایر ادیان باور دارد. همین اعتقاد به حقانیت دین خود، راه را بر تحمیل، افراط و نهایتاً خشونت دینی باز خواهد کرد. بنابراین تحقق

مشترک تمامی ادیان به شمار آورد. وارطان داویدیان، دبیر مرکز پژوهش‌های الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت نیز در سخنان خود بر دو نکته بسیار مهم تأکید کرد و تحقق این دو نکته را ضامن صحت و سلامت گفت‌وگوی بین ادیان دانست: نخست آنکه گفت‌وگو آن‌گاه به فرجام مطلوب خواهد رسید که طرفین، در موقعیت برابر باشند. این برابری هم باید در ذهن دو طرف باشد و هم باید در شرایط بیرونی. به عبارت دیگر،

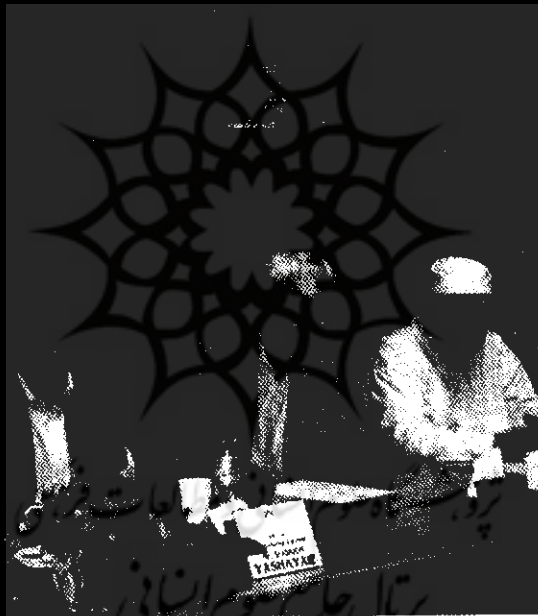
دینی به خشونت دست می‌برند و لذا فرو کاستن خشونت دینی به حکومت دینی، چندان مورد تأیید شواهد تجربی نیست. دوم آنکه همه حکومت‌های دینی را نمی‌توان مبلغ و طرفدار خشونت دانست. اگر یک حاکمیت دینی، حوزه حکمرانی خود را "حداقلی" دانست و شیوه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌اش را مبتنی بر التزام به عقل جمعی و عرف انسانی استوار کرد، بعید است دست به خشونت ببرد. بنابراین می‌توان حکومتی دینی بدون خشونت و افراطی‌گری داشت.

تجدید عهد با پیام اخلاقی ادیان

دومین بحثی که در این نشست عرضه شد ارزشها و مبانی اخلاقی-معنوی مشترک ادیان بود که هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان ایران آن را مطرح کرد. یشایایی، مجموعه توجیهانی را که در مقام تعریف مبانی اخلاقی ادیان عرضه می‌شود، ذیل سه عنوان کلی گنجانند: دسته اول کسانی که معتقدند اصول و فروع دین را باید بی‌قید و شرط پذیرفت و در احکام و فرامین الهی هیچ تغییر و تبدیلی راه ندارد. دوم، کسانی که آموزه‌های بنیادین اخلاق دینی را از جنس قراردادهای اجتماعی می‌پندارند و به چشم میثاق قراردادی آدمیان می‌نگرند. سوم، کسانی که به عقلانیت اخلاقی باور دارند و به درک متغیر عقل از فرامین خداوند معتقدند.

یشایایی با رد نظر دو دسته نخست، مناسب‌ترین گزینه برای رجوع به اخلاقیات مشترک ادیان را نظریه سوم دانست. وی گفت: "حتی اگر مقوله اخلاقی را امری اعتباری فرض کنیم، مبانی این امر اعتباری در همه ادیان مشترک است. مواردی همچون احترام به والدین، قانون‌پذیری، رستگاری و... جزو مشترکات عام ادیان در حوزه اخلاق است. درست است که شکل اجرایی این اخلاقیات متناسب هر دین، تغییر می‌کند، مفهوم بنیادین آنها در همه ادیان یکسان است." این دانشمند یهودی با اشاره به ده فرمان حضرت موسی، اولین درس اخلاقی دین یهود را "آزادی ذاتی انسان" برشمرد که اتفاقاً در سایر ادیان نیز به آن گوشزد شده است. یشایایی در جمع‌بندی سخنان خود، مناسب‌ترین شیوه برای همسخنی و گفت‌وگوی ادیان را توجه به مؤلفه‌های مشترک اخلاقی میان پیروان تمامی ادیان دانست.

جهانگیر اوشیدری، رئیس انجمن موبدان تهران، در بخش دیگری از این نشست، اخلاقیات دین زرتشت را مبتنی بر همزیستی، صلح و مسالمت‌جویی دانست و روی آوردن به زندگی پاک و آشتی‌طلبانه را جوهره دین زرتشت و اساس



گفت‌وگوی بین ادیان در گرو دور شدن از رویکرد تبلیغی به یک دین خاص است. نشست گفت‌وگوی بین ادیان، محصور و منحصر به اظهارات این چند تن نبود. برخی دیگر از اعضا نیز در قالب اظهار نظر و یا طرح پرسش، تمایل خود به مشارکت در بحث را نشان دادند، اما عمده‌ترین ملاحظات و نظرات، در این مقال گفته شد. شاید هیچ‌یک از مدعوین این نشست، از پیش انتظار نداشت در پایان جلسه، کیش خود را ترک گوید و به آیین تازه‌ای درآید. این انتظار نه معقول است و نه مطلوب. آنچه جریان این نشست را درآکنده بود، حس غریب خویشاوندی و هم‌سرشتی و احساس تعلق مشترک به یک اقلیم نورانی بود. این حس مشترک را از سرور رضایت‌مندان نمایندگان ادیان ایران بخوبی می‌شد برداشت کرد.

گفت‌وگوکننده باید به لحاظ ذهنی، طرف مقابل خود را لزوماً و پیشاپیش باطل نینگارد و به نیت متقاعدسازی وارد عرصه گفت‌وگو نشود. به‌علاوه اینکه شرایط پیرامونی گفت‌وگو نیز برای هر دو طرف باید یکسان باشد. دوم آنکه کسانی توانایی پیشبرد درست پروژه گفت‌وگوی بین ادیان را دارند که به اجتهاد پویا و خلاق در دین باور داشته باشند. کسانی که جسارت تغییر فرامین دینی متناسب با عقل حاکم بر روزگار خود را دارند، می‌توانند به وادی گفت‌وگو وارد شوند. بنابراین تصلب بر فرامین و فتاوی‌ای گذشته و محروم ماندن از نوآوری‌های عقل، راه گفت‌وگو را خواهد بست. از دیگر کسانی که در این نشست، نکته نغز و نافذی عرضه کرد آقای وحیدی از جامعه زرتشتیان ایران بود. وی یکی از موانع اصلی